

جایگاه‌شناسی اصل صداقت سیاسی در سیره مبارزاتی امام خمینی(ره)

سهراب مقدمی شهیدانی *

دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۲/۱۵

پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۱۲/۰۶

چکیده

در مقام تراحم مصالح و منافع سیاسی با مسئله پابندی به صداقت، مبانی سیاسی مختلف می‌تواند نسخه‌های متفاوت ارائه کند؛ در برخی مبانی فکری، در صورت تراحم صداقت با منافع ملی و مصالح عمومی، تجویز دروغ، عادی و بلکه ضروری تلقی می‌شود؛ اما در برخی مبانی، دروغ و خدعه و نیرنگ منافی با سعادت اخروی و سیاست الهی تصویر می‌شود؛ حتی در صورت تراحم ممنوع شمرده می‌شود. طبعاً کاربست تقیه، توریه و خدعه، در مقام رویارویی با دشمن را، که در برخی متون دینی نیز شواهدی بر جواز کاربست آن به چشم می‌خورد، نمی‌توان نقطه نقض این دیدگاه برشمرد و باید آن را جزو استثنائات خلاف قاعده بشماریم یا تخصصاً از موضوع بحث خارج کنیم. مطالعه سیره سیاسی و اظهار نظرهای امام در در برهه‌های مختلف نهضت نشان می‌دهد که مراعات صداقت و حرکت بر مدار امانت و درستی، اصل ثابت در زندگی و شخصیت ایشان بوده و در هیچ‌یک از مقاطع خطیر به دلیل منافع و مصالح از این اصل دست برداشته است.

کلیدواژه‌ها: امام خمینی، انقلاب اسلامی، سیره سیاسی، صداقت سیاسی، اخلاق کاربردی

مقدمه

صداقت ملکه و فعل اخلاقی است که در علم اخلاق جایگاه والایی دارد و با وجود این، کم و کیف کاربست آن در عرصه سیاست، مورد مناقشه قرار گرفته است. برخی اساساً سیاست را با اخلاق و دیانت در تنافی یا حتی تعارض و در بهترین حالت، لابشرط تبیین می‌کنند. برخی دیگر بر این باورند که در عرصه سیاست، گاهی منافع ملی و عمومی با عنصر صداقت در تعارض قرار می‌گیرد و در این صورت باید بنا مراعات مصالح، ملاک مهم مورد نظر قرار گیرد و در شرایط خاص، چه‌بسا بتوان به‌طور محدود، صداقت را فدای سیاست کرد! و برخی از جمله امام خمینی با تکیه بر اصل عینیت سیاست با دیانت و تقسیم‌بندی سیاست به الهی، مادی و شیطانی (صحیفه امام، ج ۱۳: ۴۳۱ - ۴۳۳) بر این باورند که گرچه گفتن همه حقیقت در همه جا، لزومی ندارد، هیچ‌گاه نمی‌توان و نباید صداقت را فدای سیاست کرد و سیاست‌ورزی صادقانه، لازمه انفصال‌ناپذیر سیاست دینی است.

سیاست به‌عنوان علم کسب، اعمال، تقسیم، حفظ و گسترش قدرت، عرصه تزاخم مصالح و منافع است و طبیعی است که تنوع دیدگاه‌ها و نوع نگاه به انسان، جامعه، اصالت‌ها، مصالح و منافع سیاسی - اجتماعی، در چگونگی سیاست‌ورزی بسیار اثرگذار خواهد بود. چالش‌های اخلاقی در عرصه سیاست وقتی شدید خواهد شد که ارزش‌های اخلاقی در مقام تزاخم با مصالح و منافع سیاسی قرار بگیرد که در این صورت، رهبران سیاسی در معرض چالش حفظ مصالح عمومی که خود مطلوبیت دارد با پاسداشت ارزش‌های اخلاقی همچون صداقت سیاسی قرار خواهند گرفت.

اساساً این سنخ چالش‌ها در جوامع دینی با حاکمیتی دینی، بیش از جوامع سکولار رخ‌نمایی می‌کند و عرصه تصمیمات سیاسی را موشکافانه‌تر و حساس‌تر می‌سازد. با شکل‌گیری انقلاب اسلامی و استقرار جمهوری اسلامی، ولی فقیه به‌عنوان نخستین چهره سیاسی حاکم بر جامعه، همواره در معرض چالش‌های سیاسی - اخلاقی قرار گرفته و می‌گیرد؛ چه اینکه او از یک سو باید به گسترش حداکثری ارزش‌های اخلاقی و الهی همت گمارد و از دیگر سو، اقتضات عرصه سیاست با متغیرهای بیشمار و غیرقابل پیش‌بینی، مصالح عمومی را در مقابل ارزش‌های اخلاقی قرار می‌دهد و اینجاست که تصمیم اصولی با دشواری فوق تصور همراه خواهد بود. فرض کنید حالتی پیش بیاید که صرفاً با ترویج یک گزاره خلاف واقع بتوان از یک درگیری سیاسی یا نظامی پرهزینه

جولوگیری کرد. آیا مصلحت موجود در تخاصم‌گریزی مبتنی بر حفظ امنیت مردم یا حفظ اصل نظام، مجوز لازم برای پای‌گذاردن بر اصل صداقت سیاسی به‌شمار می‌رود؟ متون فقهی و حدیثی و سیره پیامبران(ص) و ائمه هدی(ع) در موارد مشابه چه تجویزی دارد و سیره سیاسی بنیانگذار کبیر جمهوری اسلامی، که نزدیکترین شخصیت‌های دینی در عصر غیبت به ائمه معصوم(ع) است، در این موارد چگونه بوده است؟ دیگر سیاستمداران (غیر از ولی فقیه) تا چه اندازه درگیر چنین چالشهایی هستند و در این موارد از کدام الگوی سیاسی و اخلاقی پیروی می‌کنند؟

گرچه ردیابی پاسخ به این سؤالات در نظریه‌پردازیهای سیاسی نیز ممکن است، بررسی سیره سیاسی، نتیجه دقیقتری در ارزیابی شخصیت‌ها در عرصه چالشهای اخلاقی به‌دست خواهد داد؛ لذا این پژوهش به بررسی کاربست عنصر سیاست در سیره سیاسی امام خمینی می‌پردازد و در پی اثبات این مدعاست که امام در تمام حیات سیاسی خود به این اصل پایبند مانده است.

چارچوب نظری

در ارزیابی و تبیین اندیشه و سیره سیاسی رهبران، روشهای مختلفی از جمله روش تحلیل سیستمی، روش راهبردی، روش بحران، روش مفهومی، روش گفتمان و... به‌کار رفته است که ارزیابی تولیدات مبتنی بر این روشها ناکارآمدی و ناتوانی آنها را در انعکاس همه‌جانبه اندیشه سیاسی مجتهدان شیعی مانند امام خمینی به اثبات می‌رساند و منشأ بسیاری از سوء فهمها شده است (لکزایی، ۱۳۸۹: ۷۷). برخی اندیشه‌پژوهان معاصر با اذعان به ناکارآمدی روشهای رایج، «روش میان‌رشته‌ای» را پیشنهاد کرده‌اند. اندیشه‌پژوهی عرصه‌ای است که طیفهای مختلف مباحث ارزشی، هنجاری، و... را شامل است و فهم جامع، روشمند، منسجم، و مطلوب در گروه توجه به تمام این ابعاد گوناگون و بررسی مستقل هر محور با روش متناسب آن است؛ روشی که در آن فلسفه سیاسی، عرفان سیاسی، کلام سیاسی، اخلاق سیاسی، فقه سیاسی، سیره سیاسی، تفسیر سیاسی باید، همزمان مورد نظر قرار گیرد (لکزایی، ۱۳۸۹: ۹۲).

گذشته از شخصیت مورد بررسی، رویکرد اخلاقی مقاله ایجاب می‌کند که یکی از روشهای تحلیل در اخلاق‌پژوهی، مورد تأکید قرار گیرد. در روش و توجه مسائل اخلاقی، سه روش عمده مورد استفاده قرار می‌گیرد: قیاس‌گرایی، اصل‌گرایی و استقراگرایی. روش سوم، رویکردی

جزئی‌نگر و به‌اصطلاح نگاه از پایین به بالا را دنبال می‌کند و تصمیم‌گیری عملی در مورد‌های جزئی را مورد توجه قرار می‌دهد (اسلامی، ۱۳۹۷: ۹۴ - ۹۵) تا قواعد و توصیه‌های اخلاقی کاربردی از دل بررسی‌های مورد‌کاوانه به دست آید.

در این نوشتار با تأکید بر روش «استقراگرایی» و «میان‌رشته‌ای» به بررسی جایگاه عنصر صداقت در سیره سیاسی امام خمینی و برخی چالش‌های اخلاقی پیرامونی آن پرداخته خواهد شد. این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای انجام می‌پذیرد و از آنجا که به اخلاق کاربردی متوجه است در حیطه مطالعات نظری و دانش اخلاق نظری متوقف نمی‌ماند. رویکرد این مقاله توصیفی - تحلیلی است؛ لذا به اقتضای موضوع، منبع اصلی آن سیره سیاسی امام خمینی خواهد بود؛ گرچه مرور افکار سیاسی ایشان نیز در استنتاج حائز اهمیت است مورد تمرکز این مقاله قرار نخواهد گرفت.

گونه‌های مختلف سیاست‌ورزی از دیدگاه امام

امام خمینی به‌عنوان مجتهدی که در شاخه‌های مختلف از علوم اسلامی به مرتبه عالی اجتهاد دست یافته بود، سیاست را در منظومه معنایی خود به انواعی مختلف تقسیم کرده است: ۱. سیاست شیطانی ۲. سیاست حیوانی ۳. سیاست اسلامی و الهی.

مراد از سیاست شیطانی، کنش یا رفتاری در حوزه امور عمومی است که مبتنی بر التوا و افترا است. «دروغ‌گویی و ناراستی یا عدم صداقت در گفتار و رفتار»، «فریب و حيله یا نیرنگ و سلطه بر مردم از طریق فریب و تزویر»، «هوای نفس و امیال فردی و مادی» از شاخصه‌های اصلی آن است (صحیفه امام، ج ۱: ۲۶۹؛ همان، ج ۱۳: ۴۳۱).

«سیاست حیوانی»، که امام از آن با عنوان سیاست «این‌جهانی» نیز یاد کرده، گرچه در ویژگیها، اصول و اهداف خود به ظاهر از دروغ، نیرنگ و سلطه ناروا به‌دور است و خیر و صلاح افراد را در نظر دارد از آنجا که بر ابعاد جسمانی و مادی انسان متمرکز است، مصداقی از سیاست حیوانی، دنیوی و مادی تلقی می‌شود. توجه به عناصر مثبت دنیوی برای تأمین مصالح عمومی و اجتماعی، مطلوب است؛ اما اگر یکجانبه و بدون توجه به جنبه‌های معنوی وجود انسان لحاظ شود و برای تأمین سعادت بشر در جهان آخرت برنامه‌ای نداشته باشد از نظر امام خمینی، سیاست مطلوب به‌شمار نمی‌رود؛ چنانکه ایشان در تبیین این سیاست فرموده است: «ما اگر فرض کنیم که یک فردی هم پیدا بشود که سیاست صحیح را اجرا کند، نه به آن معنای شیطانی فاسدش، یک حکومتی، یک رئیس‌جمهوری، یک دولتی سیاست صحیح را هم اجرا کند و به خیر و صلاح

ملت باشد، این سیاست یک بُعد از سیاستی است که برای انبیا بوده است و برای اولیا و حالا برای علمای اسلام (صحیفه امام، ج ۱۳: ۴۳۱ و ۴۳۲).

در سیاست تکامل‌یافته و مطلوب از نگاه امام خمینی، «اجرای قوانین بر معیار قسط و عدل و جلوگیری از ستمگری و حکومت جائزانه بسط عدالت فردی و اجتماعی و منع از فساد و فحشا و انواع کج‌رویها و [تضمین] آزادی بر معیار عقل و عدل و استقلال و خودکفایی... بر میزان عدل برای جلوگیری از فساد و تباهی یک جامعه و سیاست و راه بردن جامعه آن به موازین عقل و عدل و انصاف... باشد (صحیفه امام، ج ۲۱: ۴۰۵).

«سعادت محور بودن»، «توجه به دو بعد و دو ساحت اصلی انسان»، «در نظر گرفتن دنیا و آخرت انسان و تلاش در جهت تأمین هدف»، «فرازمانی و فرامکانی بودن»، «عاری بودن از فریب، دروغ، خدعه، نیرنگ و دیگر مظاهر شیطانی»، «رعایت مصالح دنیا و آخرت عموم انسانها»، «پرهیز از سلطه ناروا بر مردم»، «ابتنا بر قسط و عدل»، «تحقق قسط و عدل»، «نفی هرگونه ظلم و ستم و استبداد و استثمار و استعباد» و در یک کلام «اجرای حدود الهی در جامعه» از جمله ویژگیهای سیاست راستین از دیدگاه امام خمینی است که مصداق «صراط مستقیم» قرآن خواهد بود (صحیفه امام، ج ۱۳: ۴۳۲).

نظر به سه دیدگاه کلان سیاسی پیشگفته، گاه ممکن است یک رجل سیاسی با دیدگاه سیاست دنیوی و این‌جهانی در مقام تراحم مصالح با ارزشهای اخلاقی چون صداقت به‌آسانی بتواند از این اصول دست بردارد؛ چرا که گرچه اولاً و بالذات اهل خدعه و دروغ نیست، چون تأمین سعادت اخروی در منظومه سیاسی او جایگاهی ندارد، تأمین مصالح عالی سیاسی مانند امنیت و رفاه و... اگر به نفی اصل اخلاقی منوط باشد، معلوم نیست چنین فردی تا چه اندازه و چرا باید به این اصول وفادار بماند؛ اما در منظومه سیاست الهی، چالش شدیدتری شکل خواهد گرفت؛ اگرچه معلوم نیست اصول و مبانی دینی نیز حفظ ارزشهای اخلاقی در هر حالتی (گرچه در معرض خطر قرار گرفتن دما و نفوس آحاد جامعه اسلامی) را اجازه دهد؛ اما تطبیق قواعد بر واقعیت‌های خارجی در نگاه رهبر سیاسی با دیدگاه سیاست الهی، بسیار دشوارتر از دیگران است.

مرور نمونه‌هایی از صداقت‌ورزی در سیره سیاسی امام خمینی

پس از قطعی شدن ارتحال امام در ۱۳ خرداد ۶۸ چالشی درباره زمان و کیفیت اعلان خبر ارتحال، پدید آمد. هاشمی رفسنجانی رئیس وقت مجلس شورای اسلامی بر این نظر بود که برای

حفظ امنیت کشور، «اعلان فوت را به پس از انتخاب رهبر و برگشت نمایندگان خبرگان به شهرها» موکول کنند؛ لذا او از سید احمد خمینی خواست که «اعلام خبر فوت امام (ره) را دو تا سه روز عقب بیندازند و مردم را در همین حال نگه دارند تا بروند مرزها را محکم کنند و بعد خبر رحلت منتشر شود» که این پیشنهاد با مخالفت سید احمد روبه‌رو شد و گفت: «آقای هاشمی، امام در طول همه این سالها یک کلمه دروغ به مردم نگفتند و من نیز دروغ نمی‌گویم» (میریان، ۱۳۹۴).

اشاره سید احمد به سیره سیاسی رهبر انقلاب اسلامی ایران بود که عنصر صداقت در آن از جایگاه محوری برخوردار بود؛ محوری که موجب نشد او به خود اجازه دهد که هرچند در موقعیتی خطیر از آن دست بردارد. ردیابی پابندی امام به صداقت سیاسی، نیازمند مرور حیات سیاسی ایشان است.

سید احمد خمینی فرزند و امین امام، بعداً در خاطراتش نیز صداقت‌ورزی سیاسی را یکی از ویژگی‌های اصلی امام در مقایسه با دیگر رهبران سیاسی می‌داند و بر این باور است که ایشان هرگز از این اصل دست برداشته است: «مشخصه بارز و نقطه اصلی تمایز امام از دیگر رهبران مذهبی و سیاسی جهان معاصر، صداقت و صراحت ایشان است. امام از بدو شکل‌گیری نهضت اسلامی همواره با مردم صادقانه حرف زدند؛ هرگز نمونه‌ای از دوگانگی بین امام و امت نمی‌توان یافت. این گونه نبود که امام (س) با مردم یک گونه و با مسئولان به گونه‌ای دیگر حرف بزنند. صداقت امام محصول تعالی اخلاقی، خودسازی و یگانگی گفتار و عمل ایشان بود. ... در تصمیم‌گیری‌های سیاسی رایج در دنیا، مسئولان و رهبران در خفا و آشکار دوگانه رفتار می‌کنند؛ اما امام این گونه نبودند. به اعتراف دوست و دشمن، امام همواره با مردم به صداقت و صراحت حرف می‌زدند» (سید احمد خمینی، ۱۳۸۳: ۱۵۳ و ۱۵۴).

به‌دنبال دستگیری امام در ۱۵ خرداد ۴۲ و تبدیل حبس ایشان به حصر در ۱۳ مرداد ۱۳۴۲ جراید کشور از سازش امام با دربار سخن به میان آوردند و چنین نوشتند: «طبق اطلاع رسمی که از سازمان اطلاعات و امنیت کشور واصل گردیده است چون بین مقامات انتظامی و حضرات آقایان خمینی، قمی، محلاتی تفاهم حاصل شد که در امور سیاسی مداخله نخواهند کرد» (روحانی، ۱۳۹۲: ج ۱: ۵۸۵؛ کوثر، ۱۳۷۴، ج ۱: ۱۰۴)، ابعاد این اتهام تا هنگامه آزادی امام در فروردین ۱۳۴۳ برای عموم روشن نبود. این مسئله در سه شنبه ۱۸ فروردین ۴۳ نیز بار دیگر در سرمقاله روزنامه اطلاعات، تحت عنوان «اتحاد مقدّس» مطرح شد که در آن ادعا شده بود با روحانیت تفاهم

شده است و روحانیون با «انقلاب سفید» شاه و ملت موافق هستند! سه روز بعد امام در ۱۳۴۳/۰۱/۲۱ با ردّ هر دو خبر با اشاره به سخنان پاکروان، رئیس وقت ساواک در ملاقات ۱۱ مردادماه با ایشان (روحانی، ۱۳۹۲، ج ۱: ۵۷۵) که گفته بود «آقا سیاست عبارت است از دروغ گفتن، خدعه، فریب، نیرنگ، خلاصه پدرسوختگی است! و آن را شما برای ما بگذارید!» به پاسخ خود اشاره کرد که «ما از اول وارد این سیاست که شما می‌گویید نبوده‌ایم» (صحیفه امام، ج ۱: ۲۶۷ - ۷۰). امام پنج روز بعد با توجه به خودداری روزنامه اطلاعات از درج تکذیبیه ایشان، اتهام سازش را، دروغ شاخدار نامید (صحیفه امام، ج ۱: ۲۹۳). ناگفته نماند که این نحو بیان حقائق، فارغ از اینکه بر یکرنگی و صداقت سیاسی امام دلالت می‌کند، حاکی از شجاعت و شهامت فریاد علنی حقیقت در عصر خفقان است. شخصی که بعد از تحمل دوران طولانی حبس و حصر، رنگ آزادی دیده است، بلافاصله برای دفاع از حقیقت به تکذیب اظهارات مقامات رسمی می‌پردازد و نشان می‌دهد که حاضر است بهای صداقت سیاسی خود را پردازد.

امام هم‌چنین در خلال سلسله درسهای ولایت فقیه در بهمن ۱۳۴۱، بار دیگر به رد این اتهام دروغ توافق با دربار مبنی بر عدم دخالت روحانیت در سیاست پرداخت و تصریح کرد که: «اگر خمینی یا دیگری چنین حرفی بزند، بیرونش می‌کنیم» (امام خمینی، ولایت فقیه، حکومت اسلامی: ۱۴۱).

با وجود تکذیب صریح امام، خط اتهام ادامه یافت و برخی در سالهای اخیر، بدون ارائه هیچ مستند یا منطق محکمه‌پسندی، صداقت امام را زیر سؤال برده‌اند. نخستین بار علی ارنگه‌ای معروف به «شیخ علی تهرانی» با نام مجعول و مستعار «آیت‌الله میرزا علی تهرانی» در گفتگو با ویژه‌نامه همایش آیت‌الله میلانی، مدعی شد که امام تعهدنامه ساواک را امضا کرده است (ویژه‌نامه نکوداشت آیت‌الله العظمی میلانی، ۱۳۹۵: ۴۵۲). این بیان با واکنش منفی متخصصان روبه‌رو شد و طیفهای مختلف فکری و سیاسی به تکذیب این مدعی شاذ و بی‌سند پرداختند؛ ولی بار دیگر این سخن به بیانی دیگر و باز هم از زبان یکی از برگزارکنندگان همان همایش تکرار شد (میزگرد محمدعلی ابازی و محسن آرمین: ۱۱۰ - ۱۱۶). در سال ۱۳۹۷ نیز نویسنده کتاب «الف لام خمینی»، با بیانی نسبتاً صریح، صداقت امام را مورد تردید قرار داد و نوشت: «آنچه در اطلاعیه دولت از تفاهم میان حکومت و علمای آزادشده آمد و فردایش / ۱۳ مرداد در سرمقاله روزنامه اطلاعات با تفصیل به آن پرداخت، به‌دلیل در دست نبودن گفت‌وگوهای پاکروان با آقایان در واپسین روز

حبس، قابل بررسی و بازنمایی نیست؛ نه می‌توان آن را یکسره دروغ خواند و نه می‌شود آن را بسان مدعیات آن سرمقاله تأیید کرد...» (بهبودی: ۳۴۷ و ۳۴۸).

این ادبیات نشان می‌دهد که تکذیبیه صریح امام در یک سخنرانی عمومی، مورد تردید نویسنده قرار گرفته و به نوعی صداقت امام از سوی وی زیر سؤال رفته است. حساسیت مسئله موجب شد در کوتاه زمانی پس از انتشار این مطالب، سید حمید روحانی، که از سوی امام خمینی رسماً به عنوان مسئول تدوین تاریخ‌نگار انقلاب اسلامی تعیین شده (صحیفه امام، ج ۲۱: ۲۳۹)، بعد از ذکر اسناد و مستندات تاریخی فراوان (روحانی، ۱۳۹۷: ۱۵۳ - ۱۶۱) در نقد این مطالب چنین بنویسد:

«نویسنده محترم در این نوشته ... می‌نماید آنچه را امام با صراحت اعلام کرده است باور ندارد و بدین گونه صداقت امام را زیر سؤال برده و در آن تردید کرده است؛ در صورتی که تا کنون حتی دشمنان اسلام و انقلاب در صداقت امام این گونه تردید نکرده بودند. او چون در صداقت امام، که رسماً هرگونه تفاهم را رد کرده است، مشکل دارد [چنین] می‌نویسد ... و بدین گونه به خیال خود ابهامی در زندگی سیاسی امام می‌گذارد و می‌گذرد» (روحانی، ۱۳۹۷: ۱۶۲ - ۱۶۱).

باز کاوی صداقت سیاسی امام خمینی نیازمند مرور برهه‌های مختلف حیات سیاسی ایشان است و بدون اتکا به گزاره‌های تاریخی، اثبات یا تردید در آن، ممکن نیست. امام از ابتدای نهضت به مسئله صداقت توجه ویژه دارد و برخی سخنرانیهای انقلابی خود را با دعا برای راستگویی و استقرار بر مدار صداقت، آغاز می‌کند (صحیفه امام، ج ۱: ۲۰۶؛ همان: ۳۷۴) و در مواردی شاه را نیز از بیان مطالب دروغ بر حذر داشته، خلافگویی را حتی از او نیز ناپسند برمی‌شمارد (صحیفه امام، ج ۱: ۲۱۶) و در برخی موارد - از جمله پس از سخنرانی شاه مبنی بر شنیدن صدای انقلاب مردم ایران - به دروغگویی شاه تصریح می‌کند: «دلیل اینکه به دروغ می‌گوید پیام انقلابی شما را شنیدم، این است که اگر شنیده است که حتماً شنیده، پیام ملت به او در برابر مملکت این است که شاه و همه خاندان سلطنت باید کنار بروند. بنابراین اگر این پیام را شنیده و می‌خواهد به پیام ملت عمل کند، چرا کنار نمی‌رود و سرنوشت مردم را به دست خودشان نمی‌سپارد؟» (صحیفه امام، ج ۴: ۳۶۱).

امام در مراحل مختلف نهضت به تکذیب برخی ساخته‌های خلاف واقع درباریان و مخالفان انقلاب پرداخته، در نامه‌ها و تلگرافهایی به روشنگری دست زده است. شایعه نرسیدن وجوه شرعی به نجف (صحیفه امام، ج ۳: ۹)، تکذیب نسبت تندروی به ایشان در نامه به شهید سعیدی (صحیفه

امام، ج ۲: ۶۶)، تکذیب مسئله آشتی برخی علما با شاه و تأکید بر ادامه نهضت (صحیفه امام، ج ۳: ۴۱۴)، تکذیب اتهام شاه مبنی بر تجزیه ایران توسط امام (صحیفه امام، ج ۵: ۲) از جمله مواردی است که امام صراحتاً نسبت دروغ به رهبری نهضت را رد می‌کند.

صداقت سیاسی و دقت در استخدام واژگان و اخبار از وقایع سیاسی

اقتضائات پیچیده عرصه مبارزات انقلابی گاه موجب می‌شود که افراد در افشای جنایات هیئت حاکم، به غلو و اغراق روی آوردند تا بدین وسیله به تهییج بیشتر توده‌ها پردازند. استخدام دقیق واژگان در افشای ابعاد مختلف از فساد و خونریزیها، یکی از نقاط برجسته در سیره سیاسی امام خمینی است؛ چه اینکه صداقت در گفتار، نخستین و برجسته‌ترین ویژگی ارزیابی میزان صداقت سیاسی راهبران انقلابی، و این مسئله در مورد امام خمینی نیز قابل ردیابی و پی‌جویی است. ایشان در برخی مسائل خطیر و مهم، دقت‌های فوق‌العاده‌ای در استخدام واژگان به کار بسته است که حتی در صورت تردید در گزاره‌های مروی از ایشان، صداقت گفتاری او مورد تردید قرار نخواهد گرفت؛ از آن جمله درباره آمار شهدای قیام پانزده خرداد است که به دنبال دستگیری ایشان اتفاق افتاد و در آن هنگام ایشان در زندان بودند و اخبار واقعه بعداً به ایشان رسیده بود. در تمام مواردی که - در قبل یا بعد از پیروزی انقلاب اسلامی - امام از تعداد شهیدان این واقعه خونین یاد کرده‌اند از تعبیری استفاده می‌کند که از دقت فوق‌العاده ایشان در استفاده از تعبیر در بیان جنایات رژیم شاه حکایت می‌کند. ایشان به دلیل مراعات امانت، اطلاع با واسطه در مورد وقایع را در بیانات خود تصریح می‌کند تا خود مستقیماً چیزی را که به‌طور محسوس مشاهده نکرده به کسی نسبت ندهد. مرور تعبیر امام، مثبت مدعاست: «آن‌طور که معروف است» (صحیفه امام، ج ۲: ۳۲۵)، «۱۵ خرداد را پیش آورده، و به‌طوری که گفته‌اند و یکی از علمای قم به من گفت که در قم چهار صد نفر را کشته‌اند و روی هم‌رفته گفته می‌شود که پانزده هزار مردم را قتل عام کرده‌اند» (صحیفه امام، ج ۲: ۳۶۴)، «به‌طور معروف» (صحیفه امام، ج ۲: ۴۸۴)، «به قراری که می‌گویند» (صحیفه امام، ج ۳: ۲۵۵)، «آن طوری که مشهور شد» (صحیفه امام، ج ۳: ۵۲۰)، «۱۵ خرداد به‌طوری که گفته‌اند - من در حبس بودم، لکن آن‌طوری که برای من بعد از بیرون آمدن گفتند - قریب پانزده هزار نفر را آنها کشتند و از قراری که باز گفتند، خود محمد رضا با هلیکوپتر عامل قتل هم بوده است خودش» (صحیفه امام، ج ۷: ۳۰۷)، «من که در حبس بودم ولی وقتی که آمدم، بیرون را اطلاعی خیلی از آن نداشتم. هیچ اطلاعی نداشتم وقتی بیرون آمدم و بعدش هم یک مدتی در حصر بودم و در یک

منزلی حبس بودم. منتها خوب فرق داشت به آن حبس. آنجا به من رساندند که پانزده هزار آدم را کشتند» (صحیفه امام، ج ۱۱: ۴۵۷). هم‌چنین در بیان واقعه خونین سالگرد قیام ۱۵ خرداد در سال ۱۳۵۴ در قم نیز چنین می‌فرماید:

«تأسف از واقعه جانسوز هفده خرداد (۵۴) مدرسه فیضیه و دار الشفا که واقعه قتل عام ۱۵ خرداد ۴۲ را زنده کرد... که به حَسَب نقل بعض مطبوعات خارجی، عدد مقتولین به ۴۵ نفر و عدد مجروحین بسیار است که در بیمارستانها پذیرفته نشده‌اند و بیش از سیصد نفر در زندانها به سر می‌برند که سرنوشت آنها معلوم نیست» (صحیفه امام، ج ۳: ۱۰۱).

دعوت یاران به صداقت‌ورزی در عرصه مبارزات سیاسی

پرهیز از دروغ، تنها به سلوک سیاسی شخصی امام محدود نیست. ایشان در موارد متعدد، یاران و دیگر انقلابیون را نیز از انواع و گونه‌های مختلف خلاف‌گویی، پرهیز داده است. مدتی پس از پخش برنامه‌ای با عنوان «نهضت روحانیت ایران» از رادیو بغداد، که بدون اطلاع امام و توسط سید محمود دعایی آغاز شده بود، امام برای اطلاع از محتوای برنامه‌ها، دعایی را احضار می‌کند و پس از مطالعه متن برنامه‌های پخش‌شده، او را از فحاشی و دروغ برحذر می‌دارد. مصداق دروغ مورد اشاره امام، مطلبی از جزوه شهید چمران - از اعضای انجمن اسلامی امریکا - درباره وقایع ۱۵ خرداد بود که در آن ادعا شده بود، «شاه مدعی است امام از فتودالها حمایت کرده... و... خود یک فتودال است در صورتی که امام یک وجب زمین ندارد». امام با غیر واقعی دانستن این مطلب، تصریح کرده بود که: «نه، این‌طور نیست که یک وجب زمین نداشته باشیم. ما در خمین یک قطعه زمین داریم که در اختیار اخوی است و کشاورزی می‌کند و درآمدش را بین فامیل و فقرا تقسیم می‌کنند. اینکه من زمین ندارم خلاف واقع است؛ شما واقعیت را بگویید» (دعایی، ۱۳۸۷: ۸۵-۸۶).

در دوران مبارزات و با وجود محدودیتهای فراوان، که مصالح سیاسی و آرمانهای مبارزاتی مورد تأکید ویژه همگان است، کمتر رهبر سیاسی را سراغ داریم که بر حفظ اصالت‌های اخلاقی پای فشاری کند و بدین‌وسیله به‌نوعی بر محدودیتهای مبارزاتی بیفزاید و گسترش ید پیروان را در کاربست روشها و گفتمان غیرصادقانه کاهش دهد. امام خمینی، که مبارزه با رژیم شاه را در کنار مبارزه با امریکا و رژیم صهیونیستی در صدر اولویتهای مبارزاتی معرفی می‌کردند بر حفظ وجهه دینی نهضت، تأکید ویژه می‌کند و در مقام تعارض مصالح مبارزاتی با مصالح اخلاقی، حاضر نبود اصول اخلاقی را زیرپای گذارد و لذا فارغ از سخنرانیها و اعلامیه‌ها در میدان سیاست‌ورزی و

مبارزه بر اصل صداقت تأکید می‌ورزید. این سنخ رفتارها نشان می‌دهد که راستگویی به‌عنوان ویژگی نهادینه‌شده در سلوک و سیره سیاسی امام وجود داشته است.

در ماجرای شهادت آیت‌الله سعیدی در ۲۰ خرداد ۱۳۴۹ (روحانی، ۱۳۹۲، ج ۲: ۸۶۹-۲۷۳؛ روحانی، ۱۳۷۶: ۵۰۹-۴۹۵)، امام خمینی به‌دلیل حصول اطلاع از کیفیت ارتحال و اطمینان از اصل شهادت آیت‌الله سعیدی، اعلام نظر و پیام تسلیت خود را دقیقاً به یک ماه بعد از تاریخ شهادت، موکول کرد. بازخوانی دلیل این تأخیر نشانگر توجه ویژه به پرهیز از اعلان نظر خلاف واقع و اهتمام حداکثری به صداقت در مبارزات سیاسی است. بعد از خبر شهادت شهید سعیدی، برخی از طلاب انقلابی نجف با مشاهده سکوت امام با بیانی اعتراض‌آمیز، علت این سکوت را جویا می‌شوند و از امام چنین پاسخ می‌شنوند که: «من بنا ندارم در مورد این فاجعه سکوت کنم؛ منتها شرایط من با شما تفاوت دارد. من در مقام مرجعیت نمی‌توانم هر خبری را بدون تحقیق درباره صحت و سقم آن بپذیرم و ترتیب اثر دهم. درباره مرحوم سعیدی از آنجا که از چگونگی فوت ایشان هنوز خبر موثقی به‌دست من نرسیده است، نمی‌توانم نظر بدهم. من منتظرم در این مورد از طرف افرادی که در ایران مورد اعتماد من هستند، خبر درستی دریافت کنم تا بینم وظیفه‌ام چه اقتضا می‌کند» (روحانی، ج ۲: ۹۰۲ و ۹۰۱).

بعد از این گفتگو یکی از روحانیون مبارز، پیشنهاد فرستادن نماینده‌ای به ایران برای کسب خبر در این موضوع را مطرح می‌کند و از امام می‌شنود که «باید فکر کنم!» بعد از رواج برخی شایعات در مورد احتمال اعدام برخی دیگر از یاران امام، برای پیشگیری از اقدام تند امام، ایشان این اخبار را غیرواقعی و «ساخته بیکاره‌های نجف» می‌شمارد و به‌دنبال آن، فردی را برای کسب خبر به ایران می‌فرستد؛ اما در همین اثنا یکی از روحانیون مبارز و مورد اعتماد، بعد از تشریف به نجف از مراجعه آیت‌الله مطهری به ساواک و حصول اطلاع قطعی ایشان در مورد شهادت شهید سعیدی خبر داد و بعد از آن بود که امام تصمیم به اعلام نظر گرفت (پیشین: ۹۰۲ و ۹۰۳) و نظر خود را در قالب پاسخ به تسلیت‌نامه جمعی از طلاب و روحانیون به اطلاع عموم رساند که کیفیت نگارش این تسلیت‌نامه نیز بر صداقت سیاسی امام دلالت می‌کند.

پس از مسجّل شدن شهادت آیت‌الله سعیدی برای امام، ایشان یکی از روحانیون مبارز نجف را، - که پیشتر در مورد سکوت امام از ایشان گلایه کرده بود - را به حضور طلبید و اظهار کرد: «کشته‌شدن آقای سعیدی در زندان تقریباً مسلم شده است؛ با وجود این، مقتضی نمی‌دانم که در

این زمینه مستقیماً عکس‌العملی از خود نشان دهم. شما تسلیت‌نامه‌ای تنظیم کنید و بیاورید تا به آن پاسخ دهم» (همو: ۹۰۳). متن اولیه با تسلیت‌نامه با امضای «فضلا و محصلین حوزه علمیه قم» نوشته شده بود که حساسیت امام را برانگیخت. نویسنده متن در پاسخ گفت هنگام خروج از ایران از برخی طلاب و روحانیون قم اجازه گرفته است که بتواند با امضای آنان اعلامیه بنویسد. گرچه این توضیحات ظاهراً می‌توانست موجّه جلوه کند با وجود این امام قانع نشد و روی کلمه «قم» خط کشید و تأکید کرد که «دیگر در اعلامیه‌ها و بیانیه‌های خود از این عنوان استفاده نکنید» و در نهایت متن با امضای «فضلا و محصلین حوزه علمیه» باقی ماند و امام بدان پاسخ داد (پیشین: ۹۰۳ و ۹۰۴).

جمع‌بندی

درگیری دو گونه سیاست دنیوی و سیاست الهی است که گرچه در هیچ کدام دروغ و نیرنگ جای ندارد در یکی سعادت دنیوی غایت‌القصوای سیاست‌ورزی است و در دیگری علاوه بر آن، سعادت اخروی بشر نیز حائز اهمیت جدی است؛ لذا در مقام تراحم مصالح، دو دیدگاه سیاسی مختلف، می‌تواند دو نسخه متفاوت ارائه کند: یکی گرچه ابتدا بر دروغ را جایز نمی‌داند کاربست آن را در صورت تراحم با منافع ملی و مصالح عمومی ممکن است تجویز کند و دیگری، کاربست دروغ و خدعه و نیرنگ را منافی با سعادت اخروی و سیاست الهی تصویر می‌کند و ممنوع می‌شمارد. طبعاً کاربست تقیه، توریه و خدعه در مقام رویارویی با دشمن را، که در برخی متون دینی نیز شواهدی بر جواز کاربست آن به چشم می‌خورد، نمی‌توان نقطه نقض این دیدگاه برشمرد و باید آن را جزو استثنائات خلاف قاعده بشماریم یا تخصصاً از موضوع بحث خارج کنیم.

مطالعه سیره سیاسی و اظهار نظرهای امام در در برهه‌های مختلف نهضت نشان می‌دهد که مراعات صداقت و حرکت بر مدار امانت و درستی، اصل ثابت در زندگی و شخصیت ایشان بوده و در هیچ‌یک از مقاطع خطیر به دلیل منافع و مصالح از این اصل دست برنداشته است.

منابع

- امام خمینی، روح‌الہ (۱۳۷۸)، صحیفه امام؛ مجموعه آثار امام خمینی (بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- اسلامی، محمدتقی (۱۳۹۷)، روش‌شناسی موردکاوانه در اخلاق کاربردی، پژوهش‌های فلسفی کلامی، ش ۷۵: ۹۳ تا ۱۱۲.
- ایازی، محمدعلی؛ آرمین، محسن (۱۳۹۵)، میزگرد، ماهنامه مهرنامه، س ۸، ش ۵۱.
- بهبودی، هدایت‌الله (۱۳۹۶)، الف لام خمینی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- خمینی، سیداحمد (۱۳۸۳)، دلیل آفتاب؛ خاطرات یادگار امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س).
- دعایی، سید محمود (۱۳۸۷)، گوشه‌ای از خاطرات حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمود دعایی، چ دوم، تهران: عروج.
- روحانی، سید حمید (۱۳۸۲)، نهضت امام خمینی، دفتر سوم، چ پنجم، تهران: بنیاد تاریخ‌پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی.
- روحانی، سید حمید (۱۳۹۰)، نهضت امام خمینی، دفتر چهارم، چ اول، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- روحانی، سید حمید (۱۳۹۲)، نهضت امام خمینی، دفتر اول و دوم، چ نوزدهم، تهران: بنیاد تاریخ‌پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی.
- کوثر (۱۳۷۴)، مجموعه سخنرانیه‌های حضرت امام خمینی همراه با وقایع انقلاب اسلامی (۱۳۴۰ - آبان ۱۳۵۷)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- میریان (۱۳۹۴)، روایت میریان از زبان سید احمد خمینی: آقای هاشمی، امام هیچ‌وقت به مردم دروغ نگفت، ۱۳ خرداد. قابل‌بازیابی در: <https://www.tasnimnews.com>
- نجف لکزیایی (۱۳۸۹)، روش‌شناسی اندیشه سیاسی امام خمینی(ره)، رهیافتهای سیاسی و بین‌المللی، ش ۲۳: ۹۹ - ۷۷.
- یاران امام به روایت اسناد ساواک (۱۳۷۶)، شهید آیت‌الله سید محمدرضا سعیدی، ج اول، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.

